

مندان و پژوهشگران فرارمی‌گیرد.

با توجه به اینکه این دفاتر جزو میراث ارزشمند فرهنگی ماست، کوتاهی در این زمینه چه توجیهی دارد؟

این سوالی است که مسئولان باید پاسخ بدهند. همان طور که اشاره کردید، دفترهای تعزیه، امروز جزئی از افتخارات ما ایرانیان به شمار می‌رود، چون توانسته‌ایم شکلی از هنر نمایش را به دنیا عرضه کنیم که بی نظیر است. در همه جای دنیا، وقتی کشورها اسنادی را درباره نمایش‌های پیشین خود می‌یابند آن را منتشر می‌کنند چون می‌دانند که روی این متون می‌شود کارهای زیادی انجام داد و این اسناد می‌تواند منبع خوبی برای مطالعه محققان از جنبه‌های مختلف جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و... باشد.

اگر چه در سال‌های اخیر توانسته‌ایم تعزیه را به نام خودمان و در ردیف میراث ناملموس به ثبت جهانی برسانیم، اما مسلماً این ثبت‌ها زمانی برای ما دستاورد به همراه خواهند داشت که در جامعه کاربرد بیشتری شوند، این طور نیست؟

من هم با شما موافقم که ثبت میراث ارزشمندی مثل تعزیه از منظر ملی و بین‌المللی به تنهایی نمی‌تواند کارساز باشد. بلکه یک متولی در این زمینه باید برای حفظ و نگهداری از این هنر قدم پیش بگذارد. در واقع ما نیازمند مرکز حفظ و اشاعه هنرهای آیینی سنتی هستیم که به هر دلیلی تا امروز شکل نگرفته است. درست است که سازمان میراث فرهنگی طی اقدام خوبی نسبت به ثبت جهانی تعزیه گام برداشت، اما باید از خودمان بپرسیم ما برای این هنر چه کرده‌ایم؟ نه تنها تعزیه که اصولاً میراث معنوی و ناملموس نیازمند حامی است تا شرح وظایفی در راستای احیای این هنرها در زمینه‌های پژوهشی، آموزشی و آفرینش انجام شود. اما متأسفانه تا امروز این اتفاق نیفتاده است. شاید به این خاطر که از دیدگاه دست‌اندرکاران سطح کلان فرهنگی این هنر چندان حائز اهمیت نیست و اگر همین امروز هم رنگ بویی از آن باقی مانده است به برکت عزای امام حسین «ع» و علاقه مندی خود مردم بوده است.

به نظر شما باز آفرینی و به روز کردن هنرهای آیینی سنتی مانند تعزیه کار درستی است؟ به هر حال امروزه برای حفظ خیلی از سنت‌ها چاره‌ای جز به روز کردن آن‌ها و متناسب سازی‌شان با ذائقه مخاطب امروزی نداریم.

این حرف درست است اما باید پیش از هر چیز تعریف درستی از به‌روز شدن داشته باشیم. در همه جای دنیا نمایش‌های آیینی سنتی به همان شیوه‌ای که در گذشته بوده نگهداری می‌شود. درباره تعزیه هم همین طور است، مسلماً شاکله و اساس آن قابل تغییر نیست. ضمن این که بسیاری از قصصی که در قلمرو هنر شبیه‌خوانی قرار دارند، قصص مذهبی هستند که شامل تاریخ اسلام و زندگی ائمه شیعه است و نمی‌توان به شکل سلیقه‌ای به دستکاری این متون پرداخت و نام این کار را به‌روز شدن گذاشت.

با این نگاه، ما چقدر مجاز به تغییر در این میراث فرهنگی هستیم و تا کجا این تغییرات می‌تواند در متن یا شکل ایجاد شود؟

ما فقط مجاز هستیم در آن بخش‌هایی که تعزیه‌نویس به آن مراجعه کرده و ممکن است آن ماخذ از نظر ما معتبر نباشد، باحفظ شاکله و ویژگی‌های نسخه اصلی، به اصلاح آن قسمت‌ها با حفظ ساختارش بپردازیم. همان کاری که ما چندسال پیش در ارتباط با تعزیه «مسلم» به همت دفتر ادبیات و هنر «هلال» انجام دادیم که متأسفانه آن دفتر هم جمع شد و فقط توانستیم بر همین یک مجلس متمرکز شویم. ولی در همان دفتر «مسلم» هم سعی کردیم ساختار دراماتیک را حفظ کنیم و فقط بخش‌هایی که اشکال فنی و تاریخی داشت را اصلاح کنیم، بدون این که لطمه‌ای به متن اصلی وارد شود. با این حال باید تاکید کنم که این ساختار دراماتیک و نمایشی قابلیت این را دارد که در تئاتر امروز مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. چون تعزیه نوعی از تئاتر روایی است که می‌شود از گونه‌های آن استفاده و آثار نمایشی خودمان را خلق کنیم. یعنی فقط به جهت ساختار دراماتیک متکی به آن باشیم؛ چه بسا بعضی‌ها نثر باشد، حتی ممکن است به شکل ترکیبی، پرده خوانی، نقالی و تعزیه کار کنیم و مجلسی را به وجود بیاوریم. مثل مجلس «پوستین وارونه» که من چندسال پیش براساس واقعه جنگ «جمل» نوشتم و مبنای آن تعزیه بود و توسط انتشارات «نمایش» به چاپ رسید.

در این چهارده شاهد فعالیت مستمر شما در زمینه صیانت از



دانشگاهی شدن رشته هنرهای آیینی سنتی نه تنها می‌تواند از زوال این هنرها جلوگیری کند، بلکه نسل جوان را هم با این هنرها آشنا می‌سازد و باعث می‌شود از سوی، هم هنرمندان جوان در این قلمرو آموزش ببینند و با مبانی آشنایان شوند و هم براساس داشته‌ها و آندوخته‌های علمی، زمینه رشد و تعالی این هنر را فراهم کنند.

تعزیه و اساسا هنرهای آیینی سنتی بوده‌ایم، قطعاً پیش از این دوران هم شما فعالیت‌هایی در این عرصه انجام داده‌اید، با این حال خود شما فکر می‌کنید مهم‌ترین اقداماتی که در این زمینه انجام داده‌اید چه بوده است؟

مجموعه کارهایی که من و دوستان بزرگوار و اندیشمندی مثل دکتر ناصر بخت در زمینه هنرهای آیینی سنتی کرده‌ایم، زمینه‌ای را برای دیده شدن دوباره این میراث به وجود آورد و توجه‌ها را دوباره به این سمت و سو جلب کرد. خاطرم هست، زمانی که در کانون نمایش‌های آیینی سنتی، سوگواره‌های تعزیه را در تهران و چند استان کشور برگزار کردیم، بعد از آن شنیدیم که استان‌های دیگر هم این سوگواره را برگزار می‌کنند. در واقع ما با آن کار باعث شدیم تا تعزیه خوانی به لحاظ کمی در سطح کشور توسعه پیدا کند. در سال‌های گذشته نشان دادن تعزیه در تلویزیون ممنوع بود، ولی امروز دوباره جسسته گریخته تعزیه در قالب تصویر نشان داده می‌شود. اما باز هم تاکید می‌کنم جای نظارت و حمایت بیشتر از تعزیه در شرایط فعلی خالی است. هر چند همین اندازه هم که راه شناخت و معرفی این هنر باز شده خوب است و امیدوارم در آینده نزدیک ساز و کاری فراهم شود تا حمایت‌ها نسبت به این هنر پررنگ‌تر از پیش باشد.

شما از جمله هنرمندانی بوده‌اید که همیشه نسبت به آکادمیک شدن هنرهای آیینی سنتی توصیه کرده و عملی شدن این حرکت را اتفاق مهمی می‌دانید. چقدر هنرهایی مانند تعزیه به دانشگاه‌ها راه یافته و آیا توانسته‌اند ثمر هم باشند؟

دقیقاً، چرا که معتقدم یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند زمینه حفظ و نگهداری این هنرها را فراهم کند، راه‌اندازی و دایر کردن یک رشته دانشگاهی است و به نظر می‌شود پایه‌های این امر را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بنا نهاد. دانشگاهی شدن رشته هنرهای آیینی سنتی نه تنها می‌تواند از زوال این هنرها جلوگیری کند، بلکه نسل جوان را هم با این هنرها آشنا می‌سازد و باعث می‌شود از سوی، هم هنرمندان جوان در این قلمرو آموزش ببینند و با مبانی آشنایان شوند و هم براساس داشته‌ها و آندوخته‌های علمی، زمینه رشد و تعالی این هنر را فراهم کنند.